مهاجمان قوی هیکل اجیر شده بودند

دسیسه جوان سرکش در خانه مجردی دختر تنها



گروه حوادث: پسر جوان در پارتی شبانه با دختری افیونی دوست شد و وقتی پای در خانه مجردی او گذاشت سناریویی عجیب طراحی کرد.

پسرسرکش

سهراب جوان ۲۳ ساله که روزهای آخر دانشگاه را اسپری می کرد بیشتر اوقات با دوستانش در میهمانی های شبانه بود و خانواده‌اش همیشه به نبود پسرشان در خانه اعتراض می کردند اما سهراب بی توجه به این اعتراضات به رفتار خودسرانه‌اش ادامه می‌داد. سهراب ابتدا به قول خودش فکر می کرد جنبه زیادی دارد و در این رفت و آمدهای شبانه به بیراهه کشیده نمی شود اما بعد از اولین باری که مواد مخدر گل را در میهمانی شبانه تجربه کرد دیگر با این مواد درگیر شد و بیشتر روزها خودش را با کشیدن مواد سرگرم می کرد.

دنیای گل

پسر جوان پس از مدتی در یک میهمانی شبانه مواد مخدر شیشه را تجربه کرد و همین کافی بود تا مسیر جدیدی در دنیای افیونی‌اش باز شود.

هزینه های سهراب زیاد شده بود و همین کافی بود تا خانواده‌اش به او شک کنند و اختلافات آنها زیاد شود تا اینکه پدر و مادرش در پرداخت پول تو جیبی پسرشان تصمیم جدیدی گرفتند تا سهراب هزینه های تفریح و خوش گذرانی اش را نداشته باشد و به همین خاطر در خانه بماند.

دله‌دزدی

سهراب مدتی همراه دوستانش مواد مخدر را مصرف می کرد اما دوستانش وقتی دیدند سهراب به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده و مصرف زیادی دارد از دادن مواد مجانی به سهراب خودداری کردند و پسر جوان برای رسیدن به مواد مخدر شروع به دله‌دزدی کرد تا اینکه در سرقت از مغازه سوپرمارکت دستگیر شد.

ترک خانواده

سهراب پس از اینکه از زندان آزاد شد وقتی دید باعث بی آبرو کردن خانواده اش شده است دیگر روی بازگشت به خانه را نداشت و به همین خاطر به سراغ دوستان افیونی اش رفت و در دورهمی های شبانه با آنها همراه شد. پسر جوان بعضی از روزها برای تامین هزینه های زندگی و اعتیادش دست به کیف قاپی می زد تا اینکه در یک میهمانی شبانه با دختر جوانی که او نیز اعتیاد به مواد مخدر شیشه داشت آشنا شد.

خانه‌مجردی

سهراب پس از مدتی متوجه شد که مرجان به صورت مجردی در خانه ای خارج از تهران زندگی می کند و خانواده اش از وضعیت مالی خوبی در آن شهر برخوردارند و از طریق تلگرام به این میهمانی در تهران دعوت شده است. سهراب وقتی دید مرجان موقعیت خوبی دارد بیشتر با او صمیمی شد و همین کافی بود تا پسر جوان با ترک تهران در خانه مرجان شروع به زندگی کند.

سرنوشت مرجان و سهراب یکی بود، هر دو از خانواده های پولداری در دو شهر متفاوت بودند و تنها فرقی که داشتند زندان رفتن سهراب و ترک کردن خانواده اش بود. سهراب در این مدت که در خانه مرجان پاتوق کرده بود یک ظرف گلی در گوشه خانه دختر جوان را زیر نظر گرفته بود تا اینکه سناریویی را برای به جیب زدن پول های دختر جوان طراحی کرد.

عتیقه‌در خانه

سهراب مدتی ادعا می کرد که این ظرف گلی عتیقه است و می تواند با فروش آن پول خوبی به دست بیاورند اما مرجان می گفت که این ظرف عتیقه نیست و تنها برای سالهای خیلی دور است و هیچ ارزشی ندارد. پسر جوان اصرار داشت که این ظرف گرانقیمتی است و به بهانه اینکه یک کارشناس کالاهای عتیقه می شناسد، ظرف گلی را برداشت و از خانه خارج شد. سهراب پس از چند روز در حالیکه ظرف گلی را در دست داشت وارد خانه شد و به مرجان گفت که این ظرف هیچ ارزشی ندارد و باید به مرد کارشناس ۵ میلیون بپردازد. مرجان وقتی این ادعا را شنید گفت که هیچ پولی ندارد تا به سهراب بپردازد و بر سر همین موضوع اختلاف دختر و پسر جوان شروع شد و این در حالی بود که جوان افیونی ادعا می کرد که کارشناس وسایل عتیقه مرد خطرناکی است و اگر پول را پرداخت نکند افرادش به سراغ او می آید.

حمله ۳ مرد هیکلی

دو روز از این ماجرا می گذشت که زنگ خانه مرجان به صدا در آمد و وقتی سهراب در را باز کرد ۳ مرد قوی هیکل وارد خانه شدند و پس از تخریب وسایل داخل خانه سهراب و مرجان را تهدید کردند اگر پول مرد کارشناس را پرداخت نکنند آنها را خواهند کشت.

شکایت دختر جوان

مرجان به این ماجرا شک کرده بود و پس از رفتن ۳ جوان قوی هیکل ماجرا را به پلیس گزارش کرد و ماموران پس از حضور در خانه دختر جوان احتمال دادند که سهراب در این ماجرا نقش داشته است. تیمی از ماموران با تحت نظر قرار دادن سهراب و با توجه به مشخصاتی که دختر جوان از ۳ مرد قوی هیکل در اختیارشان قرار داده بود خیلی زود موفق به شناسایی یکی از آنان شدند. بدین ترتیب مرد قوی هیکل در عملیات پلیسی دستگیر شد و ابتدا خود را در ماجرای حمله به خانه دختر جوان و تهدید آنها به مرگ بیگناه می دانست اما وقتی در برابر مرجان قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد.

رازگشایی

احمد به ماموران گفت: چندی قبل سهراب که از قدیم او را می شناختیم به سراغمان آمد و از من و دوستانم خواست تا به او کمک کنیم تا پول خوبی به جیب بزند و ما هم در این ماجرا سهم داشتیم به همین خاطر تصمیم به همکاری گرفتیم. بدین ترتیب ماموران در عملیات بعدی ۲ همدست احمد و سهراب را دستگیر کردند و همگی به ماجرای حمله به خانه دختر جوان اعتراف کردند. سهراب به ماموران گفت: از اینکه همیشه در خانه مرجان بودم و پول زیادی هم برای خرج کردن نداشتم خسته شده بودم به همین خاطر تصمیم گرفتم تا با این شیوه پول خوبی از مرجان بگیرم و با پولی که به دست می آورم در کار خرید و فروش مواد مخدر فعالیت کنم که دستگیر شدم. بنا به این گزارش، تحقیقات از متهمان برای افشای دیگر جرائم احتمالی اش در اداره پلیس ادامه دارد.

اخبار حوادث

شهادت ۱۱ نظامی در دوئل مسلحانه با گروه‌های تروریستی

در درگیری مسلحانه بامداد شنبه در مرزهای شهرستان مریوان بین گروه های تروریستی و معاند با نیروهای نظامی کشورمان، ۱۱ نفر شهید و ۸ نفر نیز زخمی شدند.

رضا میرزایی مدیرکل امنیتی و انتظامی استانداری کردستان روز شنبه گفت: هنوز هویت گروه های تروریستی مشخص نشده و هیچ حزب یا گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. وی با بیان اینکه درگیری ساعت ۲ تا ۴ بامداد روی داده است، افزود: ۸ نفر از شهدا اهل شهرستان مریوان و ۳ نفر نیز اهل شهرستان قروه هستند. وی همچنین اظهار داشت: تشییع پیکر شهدای این حادثه تروریستی عصر شنبه در مریوان برگزار می شود.

منابع محلی دیروز از وقوع یک درگیری بین نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه های تروریستی که قصد ورود به خاک کشورمان را داشتند در اطراف روستاهای دری و نشکاش خبر دادند. بنا به این گزارش، تا کنون هیچ یک از گروه های تروریستی و معاند مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است.

تیراندازی مرگبار به سمت آمبولانس هلال احمر

تیراندازی به سمت آمبولانس هلال احمر در شهر کامیاران باعث مرگ یک نفر شد. بابک قنبری گفت :این تیراندازی از سوی سرنشینان یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ صورت گرفته است.

مدیر روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان کردستان ضمن تائید وقوع این حادثه، بیان کرد: متاسفانه هنوز جزئیات این حادثه مشخص نشده است. بابک قنبری افزود: در این حادثه یکی از همکاران شاغل در جمعیت هلال احمر در شهرستان کامیاران جان خود را از دست داده است.

اعضای باند سرقت از زنان در تله پلیس

سارقانی که در گلستان و خراسان شمالی به بهانه اجاره کردن خانه، کمک به همسایه و یا عنوان مامور اداره برق وارد مجتمع های مسکونی شده و با تهدید چاقو، طلای زنان را می دزدیدند، دستگیر شدند.

قاضی شعبه یک کیفری دادگستری گلستان روز گذشته با تایید این خبر گفت: غافلگیر کردن زنان در خیابان های خلوت و سرقت طلاهای آنان یکی دیگر از شگردهای اعضای این باند بود. قاضی عزیزپور اظهار داشت: اعضای این باند از روی پلاک خودروی سواری آنان که در دوربین مداربسته یکی از مناطق نزدیک محل سرقت ثبت بود، شناسایی و دستگیر شدند.

به گفته وی، ۴ نفر از اعضای این باند مرد و یک نفر زن است و تاکنون ۱۸ شاکی از استان های گلستان و خراسان شمالی داشته اند. وی افزود: نخستین جلسه رسیدگی به جرائم اعضای این باند در شعبه یک کیفری یک دادگستری گلستان برگزار شد.

۲۰ سال زندان برای مادر آدم‌خوار

مادری بی رحم نوزاد خود را به دلیل احمقانه‌ای به قتل رساند. مادری بی رحم در انگلستان به علت مصرف زیاد پوشک نوزادش او را با قیچی باغبانی به قتل رساند. طبق گزارش افسر پرونده، راشل تانسیل ۲۷ ساله پس از قتل بی رحمانه فرزندش او را تکه تکه و بعد در سطل زباله منزلش جاسازی کرد. راشل در اعترافات خود گفت: به دلیل مصرف زیاد

پوشک بچه خیلی عصبی و و مجبور بودم هر دقیقه او را تمیز کنم. واقعا اعصاب این جور کار ها را نداشتم، به همین دلیل تصمیم گرفتم خیلی راحت او را از زندگی ساقط کنم. وی افزود: مرگ کودک خیلی راحت بود به دلیل این که وقتی خواب بود، او را با قیچی مانند مرغ خام به تکه های مساوی تقسیم و با گذاشتن جسدش در کیسه زباله ضخیم آن را در سطل زباله پنهان کردم تا آخر شب به بیرون از خانه انتقال دهم. فکر می کردم که می توانم از گوشت اش در غذاها استفاده کنم اما با گاز زدن بخشی از بازویش متوجه شدم که طعم خوبی ندارد و دور انداختن بدنش بهترین راه حل است. پلیس پس از ثبت اظهارات قاتل او را برای سلامت روحی به سازمان پزشکان منتقل کرد اما طبق گفته پزشکان وی از سلامت روحی و جسمی برخوردار است. طبق رای هیئت منصفه راشل تانسیل به ۲۰ سال زندان محکوم شده است.

خبر

در رسیدگی به قتل پسری ۱۶ ساله صورت گرفت

بازداشت پلیس تیرانداز در صحن دادگاه

گروه حوادث: یک پلیس که در جریان ماموریتی پسرنوجوان را هدف گلوله قرار داده و به قتل رسانده است در صحن دادگاه به دفاع از خود پرداخت. این مرگ دلخراش زمانی رخ داد که ماموران تهرانی به اجرای طرح پاکسازی منطقه ای از شهر دست زدند تا معتادان و موادفروش ها را جمع آوری کنند.

شلیک مرگ

این شلیک تابستان سال ۹۵ در یک پارک جنگلی در حاشیه تهران رخ داد که در آن امیر ۱۶ ساله هدف اصابت یک گلوله قرار گرفت و در راه بیمارستان جان سپرد. بعد از این حادثه مرگبار وقتی ماجرا به پلیس جنایی و بازپرس مخابره شد تحقیقات نشان داد یک مامور با شلیک مرگبار نوجوان ۱۶ ساله را از پای در آورده است.

بازجویی از عامل شلیک

مامور پلیسی که به قربانی شلیک کرده بود با دستور بازپرس دستگیر شد و در بازجویی ها گفت: من و همکارانم برای اجرای طرح پاکسازی پارک از معتادان و موادفروشان به پارک جنگلی اعزام شده بودیم. به محض ورود ما به پارک، معتادان و مواد فروشان همگی فرار کردند ولی چند نفر به سمت ما حمله ور شدند. آنها اسلحه در دست داشتند و من برای دفاع از خودم و همکارانم ناچار به شلیک تیر هوایی شدم. چون قسمتی از پارک سنگلاخ بود پایم سر خورد و احتمالا در حال افتادن به زمین تیر از تفنگم به مقتول شلیک شده است.

شلیک مستقیم

بازپرس جنایی تهران برای روشن شدن جزییات شلیک مرگبار به کارشناسان پزشکی قانونی تهران و متخصصان اسلحه شناسی دستور بررسی ویژه داد و آنان در قالب دو اکیپ به بررسی های تخصصی پرداختند و هر دو گروه در گزارش هایی اعلام کردند گلوله به صورت مستقیم به پسرنوجوان شلیک شده است. همین کافی بود تا مامور پلیس گناهکار شناخته شده و بازپرس برای مامور پلیس کیفرخواست صادر کرده و سپس پرونده اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محسن زالی بوئینی و با حضور یک مستشار تشکیل شد ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند. سپس پدر و مادر قربانی



در جایگاه ویژه ایستادند و برای مامور پلیس حکم قصاص خواستند. پدر قربانی گفت: پسرم دو هفته قبل از این ماجرا همراه دوستانش برای کار به تهران آمده بود. قرار بود کار مناسبی پیدا کند و در تهران ساکن شود اما بی دلیل در پارک کشته شد. پسرم همراه دوستانش برای تفریح به پارک رفته بود. او معتاد یا مواد فروش نبود ولی وقتی به قتل رسید به دروغ به ما گفتند پسرم مواد فروشی می کرد. سپس مامور پلیس که با قرار وثیقه آزاد بود به دفاع از خود پرداخت. وی منکر شلیک شد و گفت: وقتی به پارک جنگلی رسیدیم جمعیت زیادی آنجا حضور داشتند. ما تعدادی از معتادان و مواد فروشان را دستگیر کردیم. همکارانم از پسرنوجوان مواد گرفته بودند به همین خاطر او هم بازداشت شد. چون زمین پارک لیز و سنگلاخ و حرکت کردن روی آن سخت بود من فقط چند تیر هوایی شلیک کردم. هیچ کدام از تیرهای شلیک شده از تفنگ من با مقتول برخورد نکرده است. نمی دانم او چطور کشته شده است.

بازداشت پلیس

در پایان دفاعیات این متهم قضات دادگاه وارد شور شدند و حکم بازداشت وی را صادر کردند تا طی چند روز آینده درباره این پرونده اظهار نظر کنند.

قضات دیوان حرف آخر را زدند

بی‌گناهی دختر در شلیک تیر به پسر مبتلا به سرطان

حکم تبرئه دختر و پسر جوان از دست داشتن در پرونده شلیک خونین در حاشیه بزرگراهی در غرب تهران در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

ردپای یک زن

اسفند ماه سال ۹۴ مرد سالخورده‌ای به پلیس آگاهی رفت و از کشته شدن پسرش خبر داد. وی گفت: پسرم میثم از ۵ سال پیش با دختر جوانی به نام مرجان رابطه دوستانه داشت .آنها دیروز برای گردش به حاشیه اتوبانی در غرب تهران رفته بودند اما همان موقع مرجان هراسان با پسر بزرگم تماس گرفته و گفته بود میثم قصد خودکشی دارد. وقتی من و پسر بزرگم به محل رسیدیم با جنازه خونین میثم روبه رو شدیم. یک تیر به سر پسرم شلیک شده بود. من شک ندارم مرجان در مرگ پسرم دست داشته است.

بازجویی از مرجان

به دنبال این شکایت دختر ۲۵ ساله بازداشت شد و گفت: من و میثم نسبت فامیلی دوری با هم داریم .از ۵ سال پیش با هم آشنا شدیم اما دو سال و نیم بود که رابطه ما صمیمانه شده بود. چند ماه قبل متوجه شدم ادامه این رابطه به نفع هیچ کدام از ما نیست به همین خاطر از میثم خواستم تا رابطه مان را تمام کنیم. وی افزود: من ارتباطم را با او قطع کردم با پسر دیگری به نام حسن آشنا شدم و قرار ازدواج گذاشتم. تا اینکه میثم با من تماس گرفت و با التماس از من خواست تا برای آخرین بار به دیدنش بروم. وی ادامه داد: وقتی سر قرار رفتم میثم حرف‌های عجیبی را مطرح کرد. او به من گفت به تازگی به سرطان مبتلا شده و در آستانه مرگ است و از من خواست تا رابطه‌ام را برای چند ماه آینده با او ادامه دهم ولی چون قبول نکردم اسلحه‌ای را از داخل ماشین بیرون در آورد و آن را روی شقیقه‌اش گذاشت .من سعی کردم میثم را آرام کنم اما نشد. او می گفت نمی خواهد با بیماری سرطان بمیرد من که ترسیده بودم همان موقع با برادر بزرگ میثم تماس گرفتم و از او کمک خواستم ولی میثم همان لحظه یک تیر به سرش شلیک کرد. من که نمی دانستم باید چه کار کنم با حسن تماس گرفتم. حسن خودش را به محل رساند و به اورژانس خبر داد. وقتی اورژانس میثم را به بیمارستان برد ما هم خودمان را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود. به همین خاطر به خانه برگشتیم.

شاهدی در صحنه

در حالی که پدر میثم به اصرار داشت مرجان در قتل پسرش گناهکار است یک شاهد با پلیس تماس گرفت و ادعا کرد اطلاعات تازه‌ای از شلیک مرگبار در حاشیه بزرگراه دارد.

بدین ترتیب وی به پلیس آگاهی احضار شد و گفت: من در حال عبور از خیابان بودم که متوجه جر و بحث دختر و پسر جوانی شدم. صدای آنها آنقدر بلند بود که توجه مرا به خودش جلب کرد. در آن لحظه دیدم پسر جوان داخل ماشین تفنگی را روی شقیقه‌اش گذاشت و شلیک کرد. دختر جوان که وحشت زده بود بلافاصله از محل گریخت.

بی‌گناهی مرجان

این شاهد با دستور قضایی به دادگاه کیفری استان تهران معرفی شد و قضات دادگاه پس از بررسی پرونده برای مرجان حکم منع تعقیب صادر کردند.

پسرم سرطان نداشت

پدر میثم به این حکم اعتراض کرد و بار دیگر پیگیر پرونده شد. وی ادعا کرد پسرش هرگز به بیماری سرطان مبتلا نبوده و احتمالا حسن که دوست پنهانی مرجان بوده میثم را کشته است.

دستگیری یک مرد

با این شکایت حسن نیز بازداشت شد. پسر جوان گفت: من اصلا از رابطه قبلی مرجان با میثم مطلع نبودم مرجان آن روز در حالی که بسیار ترسیده بود با من تماس گرفت و از من کمک خواست. من وقتی به محل رسیدم که میثم با شلیک گلوله خودکشی کرده بود. یکی از دوستان میثم نیز به عنوان شاهد به دادگاه احضار شد و گفت: مدتی پیش میثم به من گفته بود به سرطان ریه مبتلا شده و حالش خوب نیست .اما از من قول گرفته بود تا در این باره با هیچکس صحبت نکنم.

در دادگاه

اظهارات این شاهد و تکمیل تحقیقات باعث شد تا مرجان و حسن بار دیگر در شعبه چهارم دادگاه کیفری از خود دفاع کنند. آنها پای میز محاکمه حرف های قبلی شان را تکرار کردند و گفتند میثم دست به خودکشی زده و آنها در مرگ وی بی گناه هستند. در پایان جلسه قضات دادگاه برای دختر و پسر جوان حکم منع تعقیب صادر کردند. این حکم بعد از اعتراض پدر میثم دیروز در شعبه نهم دیوان عالی کشور بررسی شد و خیلی زود مورد تایید قرار گرفت و قطعی شد.